



آیا شما با ایران نسبتی دارید؟

مجموعه داستانهای کوتاه درباره زندگی ایرانیان در خارج از وطن
نویسنده: دریا زند



مقدمه:

گویا برای ما امان نماند راجع به دیگران اثری بنویسیم و
مجبوریم فقط راجع به خود بنویسیم. الکساندر پوشگین
هر آنچه می نویسم بخشی از خودم در آن هست، خواهرم هست. پدرم
هست، پسر من هست و همه هستند حتی هر نویسنده ای که اثرش را
خواندم هم هست، از کافکا بگیر تا سعدات.
برای خوب نوشتن باید خوب خواند، مربی حرف زد و خوب نوشت.
حدود ۲۵۰۰ کتاب خواندم و ۳ کلاس داستان را گذراندم تا خوب
داستان بنویسم. بهترین سالهای زندگی من در آن تحصیلات و کلاس
های داستان نویسی گذشت. استاد دنوزی جلالی در آن سال، استاد
گودرزی در خانه داستان، خانم مرضیه تجار در حوزه هنری
اساتید بودند. این کتاب ثمره اندوخته هایم از کتابها و اساتید
است. شوهر آهو خانم را ۴ بار خواندم. خرمگس اتل لیلیانویچ
رابارها. جنگ و صلح، بلیک هاوس، گابریل گارسیا مارکز و.... خواندم
. خواندم.... خواندم..... از ادبیات غنی فرانسه و روسیه، غرق شدم.

راه و رسم داستان نویسی شدن را هم در کتابم به زبان ساده گفته ام، پیشکش به شما خواننده گرامی امید است مورد توجه قرار گیرد. داستان انسی را باید انسی و پررویی هایش تقدیم می کنم به مادر بزرگ عزیزم "اجان" روحش شاد. داستان پدر را به پدرم "محمد علی حاجی زاده" تقدیم می کنم برای اینکه همیشه به دلایلی از او دور بودیم. داستان دختر بچه ایرانی در غربت را به مادر عزیزم تقدیم می کنم چون همیشه فارغ از موقعیتش مثل کوبین ها، ثروتمند زندگی می کند.

خاطرات دختر بچه ایرانی در غربت را تقدیم میکنم به خواهر ناتنی و بی عاطفه ام عاقله. که بعد از ۱۴ سال زندگی در غربت سیدنی (استرالیا) وقتی به ایران برگشت حتی به احترام اینکه به قول خودش معلم اولیه نقاش شدنش بود، ام، حتی دیدار کوچکی با من تازه نکرد، که تشکر و عرض سپاس بکنند و حتی کتاب راه خوشبختی را ببیند که تصویری از او را داخلش گذاشته بودم و سالها برای دوریش از وطن نگران بودم. داستان ۱۱ سپتامبر را تقدیم می کنم به خواهر کوچکم الی که امیدوارم در غربت لوس آنجلس سرافراز، ایرانی، وطنی و مذهبی باقی بماند نه اینکه غرب زده، بی دین و لا اله الا الله بشود. مولا علی (ع) می فرماید: اگر کسی در حق شما اسعاسی کرد شما را عمري بنده خود ساخته است.

در ایران به هر اداره دولتی و غیر دولتی مراجعه کردیم و خواستیم از لحاظ تحصیلات و.... پایین تر نشان دادم تا مبادا موجبات حسادت و غم دیگران فراهم شود! معمولاً زن های ایرانی از موفقیت های همدیگر شاد نمی شوند و موضع می گیرند و مردها گاه در شبکه های اجتماعی شروع به توهین و تمسخر زنان نویسنده می کنند، حق هر کس معلمی و استادی کردیم پشت دست ما را داغ کرد و رفت در صورتی که خدا می داند غیر از خوبی و دانش چیزی به آنها یاد نداده ام. چه کنیم زمانه این طور شده، خداوند ظهور ناجی

بشریت مهدی موعود را نزدیک گرداند. اینها تنها تجربیات من است در مورد دیگران، اما آنطور که در روزنامه ها می خوانم دیگران هم با تجربیات من مواجه شده اند و در مورد آنها هم همین طور است.

داستانهای این کتاب مربوط به افراد چند فرهنگه است، افرادی که با مهاجرت از وطن دیگر نه این جایی هستند و نه آنجایی و ترکیبی از هر دو را با هم دارند. وطنی و بی وطنی.

تجربیات این کتاب جدا از مسایلی که خودم برای ایملگریشن گذرانده و زندگی در کمپ های ایرانیان در غربت و شنیدن تجربیات آن، از مردمی است که به دلایلی از وطن عزیزمان مهاجرت کرده و خیلی از آنها را نشد در این کتاب مطرح کنم و انشاء الله در اثر بعدی آنها را می نویسم.

تجربه خانم سحر مهراسی که با وجود ازدواج یکدانه پسرش با یک بانوی انگلیسی محترم و تحصیلات عالی فرزندی و تولد دو نوه و سپس غم از دست دادن پدانه پسرش در غربت بر اثر سرطان همیشه آرزو می کرد ای دل پسرش برمی گشت تا حداقل سالی یکبار نوروز ایرانی او را می دید. این همه رنج دوری را تحمل نمی کرد. و...

داستانهای کتاب واقعی است و درد دل های غربت است که به دل می نشیند.

سپاس از استاد فیروز زنوزی جلالی داستان رسم مشهور معاصر که تا عبید ایشان جرات چاپ این آثار را به من نداشت. این کتاب به قوانین داستان نویسی هم پرداخته ام که برای نخستین داستان بسیار راهگشاست. و افراد با عمل به تکنیک ها اگر خرده عشق و استعدادی داشته باشند می توانند اثری را با تأیید اساتید چاپ نمایند.



فهرست مطالب

رمان چیست/راه و رسم نوشتن رمان و داستان کوتاه به زبان

ساده ۸

نکاتی درباره نویسندگی ۹

برندگان جوایز ادبی ۱۷

داستانها:

انسی ۱۴

انسیه ۲۰

پدر، باران، انار ۳۰

غربت ۳۸

قهوه فجری ۴۳

هوس ۴۹

او ۵۵

یازده سپتامبر ۶۲

برگ هایی از دفاتر خاطراتی ۷۱